

متن پرسش

سلام: ببخشید اگه میشه لطفا اینو شخصا توی میلیم جواب بدین. چون صد در صد اوناییکه توی وبسایت شما میان اعتقاداتشون از من خیلی قوی تره. یه سوالی هست که همیشه ذهن منو درگیر خودش کرده. و هیچ وقت جواب درستی واسش پیدا نکردم. هر چقدر که فکر می کنم متوجه نمیشم که چرا ما باید عزاداری کنیم؟ آخه به نظر من این کار اصلا فایده ای نداره. من همیشه به این معتقد بودم که کاری که امام حسین (ع) کرد یه کار خیلی بزرگی بود که ما باید ازش الگو بگیریم. نه اینکه واسش گریه کنیم. بفهمیم که آدم واسه ی رسیدن به هدفش حتی یه جاهایی لازمه که خانواده اش رو فدا کنه. ولی آخه گریه؟؟؟؟ اما از یه طرف می بینم که گاهی توی این عزاداریها یه معجزاتی اتفاق میفته. دلیلشو نمیدونم. واسه همین شک کردم که آیا فکری که من می کنم اشتباهه؟ اگه میشه لطفا شخصی پاسخ بدید. خواهش می کنم. خیلی تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ممکن است این سؤال، سؤال بعضی از کاربران محترم نیز باشد، پس اجازه دهید عمومی مطرح شود. عنایت داشته باشید جریان اشکی که در مورد امام حسین «علیه السلام» مطرح است جایگاه خاصی در سیر و سلوک دارد قضیه ای کربلا یک فرهنگ فوق العاده ای است، انسان کاملی به صحنه آمده است و مأمور است در راستای ادامه ای نهضت خود موضوع اشک بر شهدای کربلا را جهت اصلاح بشریت به نحوی خاص جزء مأموریت خود قرار دهد به همین جهت در روایات متعدد روی گریه برای شهدای کربلا تأکید شده است. حتی از قبل مشخص است که حضرت اباعبدالله (ع) چنین مأموریتی را به عهده دارند. در روایت داریم حضرت امیرالمؤمنین (ع) به امام حسین (ع) فرمودند: «يَا عَبْرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ فَقَالَ أَنَا يَا أَبَتَاهُ؟ فَقَالَ نَعَمْ يَا بُنِّي»؛ ای عامل اشک هر مؤمنی! امام حسین (ع) سؤال کردند، مرا می فرمائید ای پدر؟ حضرت فرمودند: آری ای پسر. چون این اشک، اشک جبران آن کمالی است که از آن دور افتاده ایم و امام حسین (ع) و اصحاب آن حضرت ما را متوجه آن کمال می نمایند. حضرت سیدالشهداء (ع) می فرمایند: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ» من کشته ام برای اشک، هیچ مؤمنی یاد من نمی کند مگر آنکه گریه خواهد کرد. اشکی که در شیعه هست با ناراحتی های عاطفی و احساساتی فرق اساسی دارد، اشک برای حسین (ع) عامل رابطه ای انسان با مقاصد قدسی است و لذا نه تنها شادی و نشاط را از شیعیان نمی گیرد، بلکه شادی و نشاط در زندگی شیعیان موج می زند. ولی نباید آن را با لذت گرایبی یکی

گرفت، زیرا تفاوت زیادی است بین آن شادی که با پرهیزگاری همراه است و روح معنوی دارد با آنچه امروز در غرب هست که لذت‌گرایی، مقصد و معبود شده است. در شیعه، شور زندگی با یادآوری غم غربت نسبت به عالم قدس همراه است و با فرهنگ «مرگ‌آگاهی» راه خود را از قهقهه‌های اهل غفلت جدا کرده و سعی دارد خود را در فرح حضور با حق حفظ کند و اشک بر حسین (ع) طلب آن فرح است و آن‌هایی که غم غربت در این دنیا را می‌شناسند، می‌فهمند حزن مقدس چه حلاوتی دارد و مواظب‌اند گرفتار لذت‌گرایی و خوش‌گذرانی اهل دنیا نشوند و از ارتباط با حقایق وجودی عالم محروم نگردند. از آن‌جا که همگی ما مرگ را در پیش خود می‌نگریم ممکن نیست چون غافلان از غیب و قیامت از زندگی لذت مستانه ببریم و راز فرهنگ شیعه در «مرگ‌آگاهی» و جدایی از قهقهه‌های مستانه‌ی اهل غفلت همین است که با حزنی معنوی در فرح حضور در محضر حق قرار دارد و متوجه است که ما در مقام موجوداتی معنوی، با این عالم بیگانه‌ایم و یک نحوه باطن‌گرایی را دائماً مدّ نظر داریم. شیعه با پیروی از ائمه‌علیهم‌السلام این نکته را دائماً مدّ نظر دارد که این جهان ناقص‌تر از آن است که بتوان در آن با نور حقیقت به طور کامل ارتباط پیدا کرد. و اگر این غم مقدس نبود عناصر شادی بخش افراطی بر زندگی شیعه غالب می‌شد و به مردمی تبدیل می‌شدند که بیشتر لذت‌گرا و خوش‌گذرانند. رسول خدا (ص) فرمودند: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنُ بَكْتٍ عَلَىٰ مُصَابِ الْحُسَيْنِ»؛ هر چشمی فردای قیامت گریان است غیر از چشمی که در مصیبت حسین (ع) گریه کند. روایت فوق از شدت تأثیر اشک بر امام حسین (ع) در عمیق‌ترین ابعاد انسانی خبر می‌دهد که در قیامت ظاهر می‌شود. آن‌کس که عاطفه‌ی خود را درست مدیریت کند و بخواهد بهترین مصداق را جهت تغذیه‌ی عواطف بیابد، می‌پذیرد اشک برای ابا عبدالله (ع) موجب صیقل قلوب و گشادگی روح می‌شود و عامل رشد ایمان و حفظ آن از یک طرف و دوری از دنیا و صفات رذیله از طرف دیگر می‌گردد. اشک برای حسین (ع) نمونه‌ی به فعلیت رسیدن ایمان است. زیرا ایمانی که به پاک‌کردن قلب و زلال‌ساختن دل و دگرگونی آن منتهی نشود، ایمان فعلیت‌یافته نیست و نمی‌توان به وسیله‌ی آن، انس با خدا را از یک طرف و ایثار و فداکاری و جهاد را از طرف دیگر به دست آورد و از نفاق درونی رهایی یافت. اشک برای حسین (ع) موجب احیاء قلوب و آزادی عقل از اسارت هوس‌ها و غفلت‌ها است. در عین عطوف‌شدن، شجاعت به‌بار می‌آورد. و این قصه‌ی مؤمنی است که «سَلاحُهُ الْبُكَاءُ» اسلحه‌ی او اشک است، پس آن اشکی که اسلحه‌ای برای مقابله با دشمن درونی و بیرونی نباشد، اشک بر حسین (ع) نیست. بنابراین کربلا و عاشورا یادآوری یک حادثه و واقعه نیست، بلکه حضرت سیدالشهداء (ع) در شرایطی که دین جدّشان در حال به حاشیه‌رفتن است می‌خواهند با توجه به حقیقت و با فرهنگ اشک و از طریق سیر قلبی، آن را احیاء کنند. این نوع بازگشت، با کتاب و مقاله به دست نمی‌آید، بلکه با عزاداری و نوحه و ناآرامی قلب به دست می‌آید. قلب باید بسوزد. یک نحوه سیر روحانی است مثل اشکی که اولیاء الهی در نیمه شبان می‌ریزند تا راه قرب الهی خود را هموار کنند، در جایی این‌طور عرض کردم. موفق باشید